

ایران در آئینه آمار

تهیه و تنظیم از مریم اسکوئی

بیکاری و فقر، بیماری‌های مزمن اقتصاد اسلامی!

سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، همچنان قربانی می‌گیرند. فقر و بیکاری، دائماً در ابعاد گسترده تری افزایش می‌یابند و هر روز، تعداد بیشتری را به دامان خانمانسوز خود می‌کشند.

نکته جالب توجه و درعین حال تأسف‌انگیز در این میان، این است که بیکاری دائماً فزاینده، نه تنها گریبانگیر کارگران اخراجی کارخانه‌های ورشکسته است، بلکه جمعیت عظیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را نیز، شامل می‌شود. اکثریت دارندگان تحصیلات عالی، هرگز موفق به ورود به بازار کار نمی‌شوند. بدین ترتیب نه تنها از تخصص و توانایی‌های این جوانان استفاده نمی‌شود، بلکه همزمان، میلیاردها تومان سرمایه عظیمی که برای تربیت این گروه صرف شده نیز، بدون بازدهی، به هدر می‌رود. روزنامه آفتاب یزد در شماره ۲۲ مهر ماه خود، در نگاهی به وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کشور، می‌نویسد که سالانه ۱۷۲ هزار نفر از دانشگاه‌های دولتی و آزاد، فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما تنها بخش اندکی از این گروه، جذب بازار کار می‌شوند و مابقی، بیکار می‌مانند.

چنین تخمین زده می‌شود که سالانه در حدود ۲۰۰ هزار جوان با تحصیلات دانشگاهی، به صف بیکاران می‌پیوندند و تا ده سال دیگر، بیش از دویلمیون بیکار با تحصیلات عالی، به خیل عظیم بیکاران کشور خواهند پیوست. البته این در صورتی است که تعداد فارغ‌التحصیلان در همین حد باقی بماند و رشد نکند. اما آمار، حکایت دیگری دارند. براساس بررسی روزنامه آفتاب یزد، در بین سالهای ۶۵ تا ۷۵، تعداد دانشجویان بخش دولتی، ۲۴۵ درصد، و دانشجویان دانشگاه آزاد، ۴۲۱ درصد رشد داشته است، یعنی در سالهای آینده، باید انتظار تعداد به مراتب بیشتری از فارغ‌التحصیلان بیکار را داشته باشیم.

نمونه دیگری از سیاست‌های اقتصادی ویرانگر جمهوری اسلامی را در بخش صنعت نساجی، می‌یابیم. همچنان که می‌دانیم، در ماههای اخیر، هزاران نفر از کارگران صنعت نساجی، مشاغل خود را ازدست داده‌اند و هزاران نفر دیگر از این کارگران نیز در معرض خطر بیکاری هستند و در آینده نزدیک، به صف بیکاران خواهند پیوست.

در همین حال، روزنامه همشهری در شماره ۲۱ مهرماه خود، به نقل از دبیر انجمن صنایع نساجی، خبر می‌دهد که ایران با کمبود شدید تولیدات نساجی روبروست. براساس این خبر، تولیدات داخلی در صنعت نساجی، در بخش پارچه‌های نخی، در حدود ۵۰۰ میلیون متر است، در حالی که نیاز داخلی، بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر است. همچنین سالانه، ۱۵ تا ۱۶ میلیون متر پارچه‌های فاستونی در ایران تولید می‌شود، در حالی که نیاز داخلی، در حدود ۵۰ میلیون متر است.

بدین ترتیب روشن می‌شود که عدم نیاز داخلی به تولیدات نساجی، عامل ورشکستگی صنعت نساجی نیست، بلکه تمایل سرمایه‌داران و دولت حامی آنها برای دستیابی به سودهای کلان و آنی است که بیکاری‌های گسترده را برای کارگران نساجی به ارمغان می‌آورد.

رشد بیکاری در نتیجه سیاست‌های اقتصادی رژیم اسلامی سرمایه، به معنای رشد فقر در میان زحمتکشان جامعه می‌باشد و علائم این فقر روزافزون در میان توده‌ها را، می‌توان در مطالب منتشره در روزنامه‌های ایران، یافت.

به عنوان نمونه، در روزنامه همشهری مورخ ۲۵ مهر، به نقل از پزشک‌یکان، وزیر بهداشت و درمان رژیم اسلامی، می‌خوانیم که بیش از ۲۰ درصد از مردم ایران، کمتر از میزان نیاز خود، غذا می‌خورند و یکی از عوارض این مسئله، وجود بیش از ۸۰۰ هزار کودک مبتلا به کوتاه‌قدی تغذیه‌ای است.

ناگفته روشن است که دلیل تغذیه ناکافی، یا به بیان ساده‌تر، گرسنگی این جمع عظیم از کودکان کشور را، تنها و تنها باید در

سیاست‌های اقتصادی ناعادلانه رژیم جستجو کرد، بطوریکه حتی در زمینه با پرداخت یارانه‌های دولتی نیز، می‌توان شاهد این بی‌عدالتی‌ها بود. به عبارت دیگر، آنجا که مسئولان جمهوری اسلامی، برای جلوگیری از تورم بیش از اندازه و خطر شورش‌های توده‌ای ناشی از آن، مجبور به پرداخت سوبسید و یارانه می‌شوند نیز، اقلیت ثروتمند جامعه، بیش از اکثریت تهیدست کشور، از این یارانه‌ها سود می‌برند.

روزنامه آفتاب‌یزد در تاریخ ۲۷ مهر، در این رابطه می‌نویسد که، سهم یارانه‌پرداختی به هر فرد، به طور متوسط، ماهانه ۲۰ هزار تومان و برای هر خانواده، ماهانه، ۹۰ هزار تومان بوده است. اما در این میان، سهم یارانه‌اقتشار مرفه، تقریباً پنج و نیم برابر، طبقات ضعیف بوده است.

و اما، برای دریافتن ابعاد فقر در جامعه ایران، بد نیست نگاهی به ارقامی بیاندازیم که وزیر جهاد کشاورزی، در روزنامه آفتاب‌یزد ۲۵ مهرماه ارائه می‌دهد. به گفته او، ۲۳ درصد جامعه روستایی، و ۱۲ درصد جامعه شهری در کشور، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. به بیان دیگر، اگر جمعیت شهری ایران را ۴۰ میلیون نفر فرض کنیم، نزدیک به ۵ میلیون نفر از آنها، زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم می‌باشند.

همزمان با گسترش بیکاری و فقر در ایران در سایه سیاست‌های جمهوری اسلامی، گرایش به بزهکاری، اعتیاد و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی نیز، در ابعاد دهشتناکی، در حال افزایش می‌باشد، بطوریکه حتی جمهوری اسلامی، این رژیم حبس و زندان نیز، از ازدحام در زندانهای کشور نالان است. رئیس سازمان زندانهای جمهوری اسلامی، در سخنان خود که در روزنامه همشهری ۲۵ مهرماه به چاپ رسیده، تعداد زندانیان کشور را ۱۷۰ هزار نفر اعلام کرده، می‌گوید که فضای موجود، تنها برای نگهداری از ۷۰ هزار زندانی مناسب است. وی اضافه می‌کند که ۱۰۲ هزار نفر از زندانیان، در ارتباط با مواد مخدر و اعتیاد، در زندان بسر می‌برند.

اضافه می‌کنیم که تعداد کل معتادان کشور، بین ۳ تا ۵ میلیون نفر، تخمین زده می‌شود.